



وداع با شهلا لاهیجی

مراسم تشییع و خاکسپاری پیکر شهلا لاهیجی، ناشر و نویسنده فقید، روز پنجشنبه، ۲۱ دی ماه در قطعه ۲۰، ردیف ۱۷ بهشت‌زهرای تهران برگزار می‌شود. اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران ضمن اعلام این خبر در اطلاعیه‌ای نوشت، زمان برگزاری مراسم یادبود نیز متعاقباً اعلام خواهد شد. شهلا لاهیجی متولد اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۱ در تهران، ۱۸ دی ماه، بعد از مدتی تحمل بیماری در ۸۱ سالگی درگذشت. اومدیر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان بود و این انتشارات را در سال ۱۳۶۲ پایه گذاشت. او در سال ۲۰۰۱، جایزه آزادی نوشتن (Freedom to Write Awards) انجمن جهانی قلم (PEN) را دریافت کرد. از شهلا لاهیجی کتاب دوجلدی «پژوهشی در هویت تاریخی زنان ایران» با همکاری مهرانگیر کار منتشر شده است. «تصور زن در آثار بهرام بیضایی» و «ترجمه «زن در جستجوی رهایی» (فرازفروغ جنبش زنان در سوسیال دموکراسی آلمان)، از دیگر آثار اوست.



وزیر ارشاد: معین می تواند بازگردد

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، بازگشت نصرالله معین نجف‌آبادی ملقب به معین را به ایران، بلا مانع اعلام کرد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی روز چهارشنبه ۲۰ دی ماه پس از جلسه هیئت وزیران در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشی درباره بازگشت هنرمندانی مانند نصرالله معین نجف‌آبادی گفت: «حضور ایشان در ایران هیچ مشکلی ندارد و طبق قوانین انجام می‌شود. هر کاری درباره هر فردی انجام شود، طبق قانون انجام می‌شود. اجازه فعالیت، قدم بعدی است اما حضورشان در ایران هیچ مشکلی ندارد.» نصرالله معین نجف‌آبادی (زاده ۲۹ دی ماه ۱۳۳۰) که با نام هنری معین شناخته می‌شود، خواننده موسیقی پاپ و سنتی ایرانی ساکن آمریکاست. اظهارات وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این خصوص با واکنش‌هایی در فضای مجازی مواجه شد و از جمله محمد جواد آذری جهرمی، وزیر پیشین ارتباطات و فناوری اطلاعات، در این مورد نوشت: «همین سرمایه‌های انسانی داخل مملکت را با سیاست‌های نادرستان فراری ندهید، آوردن امثال معین پیشکش!»

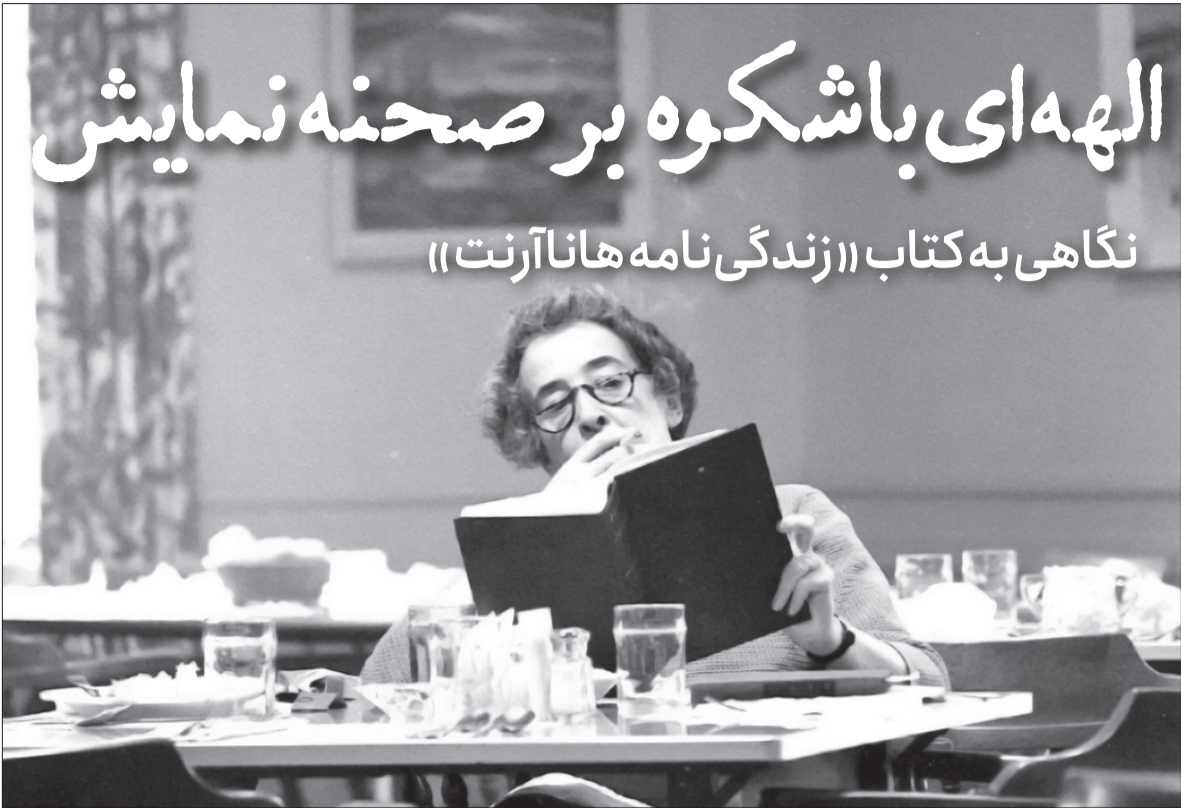


می توان تجدید نظر کرد اما مخالفت می شود

عیسی زارع پور، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات روز چهارشنبه ۲۰ دی ماه در حیطه دولت درباره مسدودسازی و حیطه اختیارات دولت گفت: «رئیس جمهور، به دبیر شورایی فضای مجازی ماموریت داده است که در سیاست‌های مسدودسازی بازنگری شود. هروقت ایشان را دیدید، از خودشان بپرسید، دیجیتالتو ضمن اعلام این خبر نوشت، زارع پور درباره رفع مسدودسازی بعضی از اپلیکیشن‌ها گفت: «ما در حال پیگیری هستیم که بعضی از پلتفرم‌هایی که امکان تجدیدنظر درباره آن‌ها وجود دارد، مثل گوگل پلی رفع فیلتر شوند.» او ادامه داد: «امان‌ها حال دویار این موضوع را به کارگروه تعیین مصادیق برده ایم، اما متأسفانه گوش نمی‌دهند. موضوع به مرکز ملی فضای مجازی و دبیر شورا سپرده شده است که پیگیری می‌کنند.» (از عیون هم‌چنین اضافه کرد: «بحث‌شکبه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، اما جدالست و در مورد آن‌ها از قبل تصمیم گرفته شده که تا زمانی که پاس‌خوگونی‌باشند، امکان بازگشایی مجدد ندارند و اطلاع‌رسانی قبلی هم شده است.»

الهای باشکوه بر صحنه نمایش

نگاهی به کتاب «زندگی نامه هانا آرنت»



نرگس کیانی

خبرنگار گره فرهنگ

«موضوع اندیشیدن چیست؟ تجربه! و نه هیچ چیز دیگری!» این چیزی بود که هانا آرنت در نشست‌های که در سال ۱۹۷۲ - سه سال پیش از مرگش - در خصوص «آثار هانا آرنت» برگزار شد، گفت. هانا آرنت، متفکری شاعر مسلک بود ولی شاعر نبود، اگر چه شعر هم سروده بود. فیلسوف نبود اما به کار فلسفی مشغول بود. زندگی‌نامه‌نویس نبود اگر چه برای فهم شرایط بشری متن‌های زندگی‌نامه‌ای فراوانی نوشت. هانا آرنت روزنامه‌نگار، منتقد، جستارنویس یا فعال سیاسی هم نبود، اگر چه بخشی از عمرش را صرف هر کدام از این فعالیت‌ها که در مسیر زندگی‌اش قرار گرفت، کرد. شاید اگر بخواهیم ادعایی اچسانی راجع به او بکنیم، باید چنان چه در کتاب «زندگی نامه هانا آرنت» نوشته سامانتا ز هیل آمده است، بگوییم هانا آرنت در مقام اندیشمندی تمام‌عیار به صف سقراط و کارل یاسپرس پیوسته بود. هیل کوشیده است با انتشار «زندگی نامه هانا آرنت»، کتابی مختصرتر و متمرکزتر پیش روی مان بگذارد. کتابی برای آشنا کردن ناآشنایان با زندگی و آثار آرنت که در عین حال حاوی برخی اطلاعات زندگی‌نامه‌ای است که در نوشته‌های مشابه پیشین نیامده است.

بیداری درونی

کتاب ۲۴۰ صفحه‌ای «زندگی نامه هانا آرنت»، با اطلاعات اولیه‌ای در مورد کودکی هانا آرنت آغاز می‌شود: «یوهانا آرنت در ۱۴ اکتبر ۱۹۰۶ در لیندن، ایالت هانوفر آلمان به دنیا آمد.» او تنها فرزند مارتا و پاول آرنت بود. مارتا و پاول بر خلاف والدین و پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های شان که از روسیه مهاجرت کرده بودند، جهت‌گیری سیاسی چپ‌گرایانه‌تری داشتند و به لحاظ مذهبی دین‌مدار نبودند. در تابستان ۱۹۱۱، پاول در بیمارستان روانی بستری شد و وقتی مُرد، هانا ۷ سال داشت. فقط یک‌سال از مرگ پدر گذشته بود که زندگی هانا با آغاز جنگ جهانی اول باز از هم گسیخت. سامانتا ز هیل، فصل دوم کتاب: «سایه‌ها» را با رفتن هانا آرنت پیش از تولد ۱۸ سالگی‌اش، در پاییز ۱۹۲۴ به دانشگاه ماربورگ ادامه می‌دهد؛ جایی که آرنت رفت تا زیر نظر هایدگر درس بخواند. وقتی آرنت به کلاس هایدگر رفت، هایدگر ۳۶ ساله و



معرفی کتاب

زندگی نامه هانا آرنت
نویسنده: سامانتا رز هیل
مترجم: علی معظمی
انتشارات: برج
قیمت: ۱۸۵ هزار تومان

متاهل بود. آرنت و هایدگر طی اولین سال رابطه‌شان همدیگر را در خفا می‌دیدند اما آرنت بعد از تابستانی که در خانه گذراند، معلوم شد که رابطه‌اش با هایدگر دیگر قابل توجه نیست؛ پس برنامه‌ای چید تا بهار آینده ماربورگ را ترک کند و نیم‌سالی را در فرایبورگ با آدموند هوسرل به تحصیل بپردازد و بعد، نوشتن پایان‌نامه‌اش را در دانشگاه هایدلبرگ با کارل یاسپرس پی‌بگیرد. نویسنده «زندگی نامه هانا آرنت» معتقد است، پایان‌نامه آرنت در خصوص عشق و آگوستین قدیس، نشان از ظهور اندیشمندی مستقل اما وام‌دار سنت فلسفه آلمانی است و در فصل سوم با عنوان «عشق و آگوستین قدیس» به‌شکلی مفصل به این موضوع پرداخته است. کتاب «عشق و آگوستین قدیس» با کمک یاسپرس در سال ۱۹۲۹ به چاپ رسید و جنب‌وجوشی فکری برانگیخت. آرنت در ژانویه ۱۹۲۹ با گوئتر آندرس (اشترن) ملاقات کرد. آرنت و آندرس، سپتامبر ۱۹۲۹ با یکدیگر ازدواج کردند و به فرانکفورت رفتند اما هر چه آرنت سیاسی‌تر شد، ازدواج‌اش با آندرس هم سست‌تر شد.

روی آوردن به سیاست

۳۰ ژانویه ۱۹۳۳ که آدولف هیتلر به مقام صدراعظمی آلمان برگزیده شد، آرنت مشغول نوشتن رساله کسب صلاحیت استادی‌اش با عنوان «را حیل فارتهاگن: زندگی زنی یهودی» بود. رساله‌ای که رز



هیل در پی اهمیتی که برای آن قائل است، فصلی جداگانه با عنوان «زندگی زنی یهودی» به آن اختصاص داده است. روی آوردن آرنت به سیاست در فصلی با همین عنوان از گردآوری مطالب یهودستیزانه روزنامه‌ها، مجلات و سخنرانی‌ها از کتابخانه دولتی پروس برای سازمان صهیونیست‌های آلمانی توسط آرنت آغاز می‌شود. کاری که در آن زمان غیر قانونی بود و نازی‌ها آن را تبلیغات هراس افکنانه می‌خواندند؛ آرنت دستگیر شد، بعد از ۸ روز بیرون آمد و با مادرش از آلمان فرار کرد. او در پی این تبعید اجباری که شرح آن به‌صورت مفصل در فصل ششم کتاب با عنوان «ما پناهجویان» آمده است، پس از چندماه اقامت در ژنو، به دوستانش در پاریس پیوست. بعد از اینکه آندرس در ژوئن ۱۹۳۶ آمریکا رفت، دلیل خوبی پیدا شد که تصمیم به جدایی بگیرند. آرنت با امدت زیادی تنها نماند. در اوایل بهار ۱۹۳۶ با هاینریش فریدریش ارنست بلوشر ملاقات کرد و از تابستان همان سال، با هم زندگی کردند.

اردوگاه توقیف

در سال ۱۹۳۹ مقامات فرانسوی برای اینکه بتوانند موج شتاب‌یافته پناهجویان از آلمان و جنگ داخلی اسپانیا را تدبیر کنند، تصمیم گرفتند محدودیت‌های سختی برای مهاجرت بگذارند و اعلان‌هایی در خیابان‌های پاریس نصب شد که به شهروندان مذکر آلمانی و اتریشی دستور می‌داد، خود را معرفی کنند. بلوشر، به همراه ۳۰۰ زندانی دیگر حدود دو ماه در اردوگاه‌های توقیف در اطراف فرانسه ماند و سرانجام با کمک گواهی پزشکی، آزاد شد. آرنت بعد بلوشر و آرنت در ۱۶ ژانویه ۱۹۴۰ ازدواج کردند. پنجم ماه مه ۱۹۴۰، اعلانی در روزنامه‌ها منتشر شد که می‌گفت همه مردان بین ۱۷ تا ۵۵ سال و زنان ازدواج‌نکرده یا بی‌فرزندی که از آلمان، سارلند یا دانتسیگ آمده‌اند، باید خودشان را معرفی کنند تا به اردوگاه فرستاده شوند. آرنت و بلوشر را به اردوگاه‌های جداگانه‌ای فرستادند. آرنت ۵ هفته در اردوگاه گورس بود و در میانه ژوئن ۱۹۴۰ با کمک اسناد جعلی از آن جا فریخت و به لودرس رفت. وقتی آرنت و بلوشر دوباره به هم رسیدند، به‌دنبال راهی برای به‌دست آوردن برگه خروج گشتند اما وزارت خارجه آمریکا سیاست پذیرش‌اش را سخت‌تر کرده بود و سرانجام از ۱۱۳۷ نامی که در فاصله اوت و دسامبر ۱۹۴۱ برای گرفتن روادید درخواست کرده بودند، فقط به ۲۳۸ نفر روادید اضطراری ورود به آمریکا داده شد که دو روادید را آرنت و بلوشر گرفتند. آن‌ها بعد از سه‌ماهه که در لیسبون گذرانده بودند حال می‌توانستند به نیویورک بروند. هانا آرنت زمانی که سوار کشتی‌گینه به مقصد نیویورک شد ۳۵ سال داشت، از دو جنگ جهانی جان‌بهدر برده بود، گشتاپو دستگیرش کرده و از اردوگاه فرار کرده بود؛ رویدادهایی که سامانتا ز هیل در فصل‌های هفتم و هشتم با عناوین «توقیف» و «وضعیت اضطراری» به آن‌ها پرداخته است.

از خاستگاه‌های تمامیت‌خواهی تا وضع بشر

«انتقال»، «دوستی» و «آشنی»: فصل‌های نهم، دهم و یازدهم کتاب «زندگی نامه هانا آرنت» فصل‌هایی هستند که سامانتا ز هیل در آن‌ها از جمله به رسیدن هانا آرنت و هاینریش بلوشر در ۲۲ مه ۱۹۴۱ به جزیره الیس در نیویورک می‌پردازد. آرنت در تابستان ۱۹۴۵، اولین موقعیت تدریس‌اش را در بخش تحصیلات تکمیلی کالج بروکلین به‌دست آورد و قرارداد نوشتن کتاب «خاستگاه‌های تمامیت‌خواهی» را با ناشر بست. آرنت این کتاب را در سال ۱۹۵۱ منتشر کرد؛ همان سالی که شهروندی آمریکا را گرفت. سامانتا ز هیل در فصل دوازدهم با عنوان «خاستگاه‌های تمامیت‌خواهی»، از این می‌نویسد که این کتاب نخستین شرح مفصلی بود که در خصوص ظهور جریان‌های هیتلری و استالینی منتشر می‌شد. طبق آن چه در فصل سیزدهم، «عشق به دنیا» آمده است؛ کتاب بعدی هانا آرنت، «وضع بشر» بود که در سال ۱۹۵۸ منتشر شد. «وضع بشر» که بلافاصله پس از «خاستگاه‌های تمامیت‌خواهی» نوشته شد، اثری در خصوص کشف آزادی انسان و راجع به محوشدن تدریجی و بدفرجام آزادی از دنیا و ناپایدار بودن شرایط احوالی آن است. آرنت وقتی نوشتن «وضع بشر» را تمام کرد، کار روی «مقدمه‌ای بر سیاست» را آغاز کرد؛ موضوعی که در فصل چهاردهم «زندگی‌نامه هانا آرنت» با عنوان «امیان گذشته و آینده»، به آن پرداخته شده است. «مقدمه‌ای بر سیاست»، تبدیل به کتاب «امیان گذشته و آینده: هشت ممارست در اندیشه سیاسی» شد.

سایه سنگین جنگ



سیا دادخواه

خبرنگار فرهنگ

و همچنان جنگ! سایه‌ای که از زندگی‌ها رخت بر نمی‌بندد؛ مگر با مرگ. فرقی نمی‌کند جنگ را به چشم دیده باشی یا شنیده باشی، مهم این است که رُ جنگ تا سالیان سال بر چهره تمام آنانی که این قصه پر رنج و دیده یا شنیده یا لمس کرده‌اند، باقی خواهد ماند. گذر زمان همه‌چیز را در ظاهر تغییر می‌دهد. خانه‌های ویران‌شده، دوباره ساخته می‌شوند، مردان جنگنده، به زندگی خود باز می‌گردند، کوچه‌ها و خیابان‌ها باز هم همان کوچه‌ها و خیابان‌های سابق می‌شوند، زندگی به‌ظاهر به روال عادی خود باز می‌گردد اما چیزی در درون انسان‌ها، زنجی پنهان در اندرونی ذهن افراد، مدام جنگ می‌اندازد بر لوح دل.

معرفی کتاب

پرنده باز تهران
نویسنده: نادر رسولی
انتشارات: هیلا
قیمت: ۸۰ هزار تومان



دیگر اثری از خمپاره‌ها و صدای تیر نیست اما گوش و چشم انسان جنگ‌دیده، فراموش نخواهد کرد که چه دیده و چه شنیده است. فراموش نخواهد کرد که جنگ، کدام بخش از وجودش را با خود به یادگار برده، فراموش نخواهد کرد که رنج ممتدی تا روز مرگ همراهش خواهد بود و فراموش نخواهد کرد که زندگی پس از جنگ دیگر هرگز، به‌شکل سابق نخواهد شد. «پرنده باز تهران»، مجموعه داستانی است در ۱۲۰ صفحه که شامل ۸ داستان است. «پرنده باز تهران»، «مثل مرد بزنی»، «ناسورا»، «حریم»، «جنگ مهر»، «نسورا»، «قربانی» و «مثل آونگ»؛ داستان‌های این کتاب هستند. نادر رسولی، نویسنده این کتاب، متولد سال ۱۳۶۱ است و پیش‌تر رمان تاریخی «هیچ‌کس این زن را نمی‌شناسد» را در کارنامه خود ثبت کرده که توسط انتشارات کتاب نیستان چاپ شده است. این کتاب با داستان «پرنده باز تهران» شروع می‌شود؛ داستانی که ریشه در جنگ دارد. همه‌چیز آرام است و زندگی با جریان نرم و آرام خود در حرکت است اما ریشه‌های این گیاه آرام و رونده، از جنگ تغذیه می‌کنند. پیش از شروع متن کتاب این جمله از هاینریش بل درج شده است: «تا زمانی که هنوز در جایی از زخمی خون می‌چکد، جنگ ادامه دارد.» سطر به‌سطر این داستان، آغشته به خونی است که از زخم پنهانی می‌چکد. پس‌دری که ناگهان، پس از اتمام سفر کوتاه و یک‌روزه خود، به خانه باز می‌گردد، اما دیگر